

ایران جان؛ بسترکشف پیوندهای فرهنگی

مدیرکل صداوسیمای استان مرکزی در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه «جام جم» از همگرایی فرهنگی استان‌ها و نقش رسانه ملی در تقویت هویت ایرانی گفت



زهرا عباسی | جام جم آنلاین

مدیرکل صداوسیمای استان مرکزی در گفت‌وگو با خبرنگاراعزامی جام جم

آنلاین، از پیوند مفاخر کهن با رسانه مدرن، موج ۲/۵ میلیونی فضای مجازی و نقش دانش‌آموزان در بازخوانی هویت ایرانی می‌گوید.

استان مرکزی؛ سرزمین آفتاب، مهد اندیشه‌های بزرگ، صنعت و تاریخ ایران، این‌بار میزبان بزرگ‌ترین همگرایی رسانه‌ای کشور شده است. رویداد ملی «ایران جان» در یازدهمین توقفگاه خود، پلی میان ریشه‌های کهن تمدنی و قاب فراگیر رسانه ملی زده است؛ حرکتی که دیگر به پخش چند گزارش محلی یا ویژه‌برنامه‌های مناسبتی در کنداکتورهای عادی قانع نیست، بلکه شبکه‌های سراسری رادیویی و تلویزیونی را در کنار لایه‌های گوناگون فضای مجازی به خط کرده تا نام و آوازه مفاخر، منتقدگان و نخبگان این خطه در مقیاس ملی طنین‌انداز شود.

اینجا در پایتخت مفاخر ایران زمین، رسانه از استودیوهای بسته به قلب میدان توسعه آمده است. به همین انگیزه، خبرنگاراعزامی جام جم آنلاین به استان مرکزی رفته و روبه‌روی حسن نجفی، مدیرکل صداوسیمای این استان نشسته است؛ گفت‌وگویی صریح و تفصیلی که در آن از معماری نوین فناوری رسانه‌ای، رمزگشایی از پیوندهای عمیق تاریخی استان‌ها، نقش‌آفرینی پرشور نسل نوجوان و دانش‌آموزان به‌عنوان راپویان فردا، تا اتمسفر وب با بیش از ۲/۵ میلیون هشتک و البته گشایش‌های اقتصادی و خودباوری درون سازمانی سخن به میان آمده است. در ادامه، روایت این مدیر رسانه‌ای را از متن و بطن بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی و رسانه‌ای استان مرکزی می‌خوانید.

■ ■ ■

از منظر کارشناسی رسانه‌ای اگر بخواهیم از زاویه دانش ارتباطات و تحولات مدیریتی رسانه ملی به رویداد ملی ایران جان نگاه کنیم، این رویداد چه نسبتی با رسالت‌های روزمره صداوسیما دارد و چه تحولی در شیوه معرفی استان‌ها ایجاد کرده است؟

برای درک دقیق ماهیت ایران جان، باید آن را فراتر از یک کنداکتور مشترک یا یک ویژه‌برنامه مناسبتی ارزیابی کرد؛ من معتقدم ایران جان را باید حقیقتاً یک «فناوری رسانه‌ای» دانست. اگر به سال‌ها دوره‌های گذشته در مدیریت رسانه ملی رجوع کنیم، شاهد بودیم که برنامه‌ها و رویدادهایی با هدف بازنمایی ظرفیت‌های استانی برگزار می‌شد. در آن الگوها معمولاً نمایشگاه‌هایی برای می‌شد و نخبگان، مفاخر و مسئولان در آن فضاها حاضر می‌شدند تا دسماوردها را از نزدیک تماشا کنند. اگرچه آن اقدامات نیز در زمان خود ارزش‌های خاص خود را داشت، اما دایره‌انگیزی آن محدود به همان دایره نخبگانی و مکان فیزیکی برگزاری بود. اما در دوره تحولی جدید رسانه ملی، رویکرد کاملاً دگرگون شده؛ در این دوره، رسانه بی‌واسطه در خدمت بازخوانی و تقویت «هویت» یک استان و یک منطقه

جغرافیایی قرار گرفته و به نوعی خود به میدان آمده است.

این رویکرد دو دستاورد بنیادین دارد: نخست آن‌که به معنای

واقعی کلمه به «عدالت رسانه‌ای» تجسم می‌بخشد؛ یعنی همه

نقاط ایران این فرصت را پیدامی‌کنند که به‌شکلی عادلانه، باتمام اصالت‌ها، لهجه‌ها، توانمندی‌ها

و استعدادهای بومی‌شان در ویتترین سراسری کشور دیده شوند. دوم آن‌که برای رسانه ملی یک «کارکرد اقتصادی و توسعه‌محور» تعریف می‌کند. ما دیگر فقط تماشاگر فرآیندهای توسعه نیستیم، بلکه رسانه رسماً مکلف است که در ایجاد تحرک و جهش اقتصادی در سطح مناطق و استان‌ها نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشد.

شما تعبیر «آوردن رسانه به میدان» را به کار بردید. این حضور میدانی در تجربه استان مرکزی چگونه محقق شده است؟

دقیقاً جان کلام در همین آوردن رسانه به میدان است. تا پیش از این، تلقی عمومی و حتی

سازمانی این بود که کارکرد رسانه صرفاً در داخل یک کادر مشخص شیشه‌ای به نام قاب تلویزیون یا از طریق امواج رادیویی تعریف می‌شود؛ یعنی رسانه در استودیو می‌نشست و به گزارش اتفاقات می‌پرداخت. اما رویداد ملی ایران جان، رسانه را از این پوسته سنتی بیرون کشید و مستقیم به میدان عمل آورد. در این ساختار، رسانه ملی نه یک گزارشگر منفعل، بلکه یکی از کنشگران و پیشران‌های اصلی توسعه است.

رسانه در جریان این رویداد، همه ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه استان را روی میز قرار می‌دهد، داشته‌های



مغفول را برجسته می‌کند و آنها را با افق‌های تحول و اسناد بالادستی که از سوی دولت و دستگاه‌های گوناگون تدوین شده، پیوند می‌زند. رسانه برای تحقق اهداف توسعه‌ای استان کاتالیزور می‌شود و مسیر حرکت دستگاه‌ها را

تسریع می‌کند. افزون بر این، در بعد درونی نیز اجرای این پروژه وسیع و چندوجهی، یک کارگاه آموزشی عملیاتی بزرگ برای بدنه نیروهای انسانی در مراکز استان هاست. همکاران هنرمند، تصویرپردازان، گزارشگران، نویسندگان و برنامه‌سازان بومی ما در جریان تولید سنگین این روزها، آفق‌های تازه‌ای از توانمندی‌های خود را کشف کردند، شناخت‌شان نسبت به زوایای پنهان استان به شدت ارتقا یافت و شبکه ارتباطی بسیار گسترده‌ای با بدنه نخبگان، مسئولان، اندیشمندان و آحاد جامعه برقرار ساختند.

ظرفیت‌های ارتباطی معمول صداوسیما در طول سال محدود است و ایجاد پیوندی عمیق با این تعداد از چهره‌های تأثیرگذار، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. اما ایران جان این سدها را شکست و مرجعیت رسانه را در ذهن مردم احیا کرد. جالب است به نکته‌ای اجتماعی اشاره کنم؛ در این روزها مواردی داشتم که افراد پس از تماشای بخش‌های مختلف برنامه، با بستگان و آشنایان خود در شهرهای دیگر تماس می‌گرفتند و می‌گفتند: «همین الان تصویر شما و دیارتان در شبکه سراسری پخش شد!» همین مواجهه



سیما

بازگشت «طلوع ماه» با ستاره‌های علم و فرهنگ

وی افزود: آب، خاک، جنگل و مرتع اجزای به‌هم‌پیوسته یک نظام طبیعی‌اند و تخریب هرکدام می‌تواند بخش‌های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد و در حفظ تنوع زیستی، کنترل فرسایش، تنظیم چرخه آب و تأمین امنیت غذایی نقش اساسی دارند.

وی در پاسخ به سوالی درباره اهمیت مراتع ایران و ضرورت حفاظت از آنها گفت: ایران بیش از ۸۴ میلیون هکتار مرتع دارد و این گستره عظیم، نقش مهمی در اقتصاد روستایی و عشایری و حفظ تعادل اکولوژیک کشور ایفا می‌کند.

وی افزود: ارزش مراتع تنها به تأمین علوفه دام محدود نیست بلکه گیاهان دارویی و صنعتی، زنبورداری، گردشگری طبیعی، حفاظت از خاک و افزایش نفوذ آب نیز به این عرصه‌ها وابسته‌اند و پوشش گیاهی مرتع با

کاهش انرژی قطرات باران به تثبیت خاک کمک می‌کند.

مهمان برنامه طلوع ماه در پاسخ به این پرسش که آیا دامداری نیز می‌تواند در حفظ یا تخریب مراتع مؤثر باشد، گفت: دامداری زمانی با حفاظت از مرتع سازگار است که تعداد دام، زمان ورود به مرتع و مدت چرا با ظرفیت اکولوژیک منطقه تناسب داشته باشد. چرای اصولی می‌تواند در پراکنش بذر و بازگشت مواد آلی به خاک مؤثر باشد اما چرای بیش از ظرفیت، پوشش گیاهی را تضعیف می‌کند و زمینه فرسایش خاک و تخریب سرزمین را فراهم می‌آورد. وی در پاسخ به سوال دیگری درباره مهم‌ترین عوامل فرسایش خاک در ایران گفت: از بین رفتن پوشش گیاهی، چرای بی‌رویه، بهره‌برداری نامناسب از زمین و کاهش نفوذپذیری خاک از عوامل مهم فرسایش هستند. وی افزود: فرسایش خاک فقط به‌معنای از دست رفتن زمین کشاورزی نیست بلکه رسوب‌گذاری در مخازن سدها، افزایش خسارت سیلاب و کاهش توان زیستی سرزمین نیز از پیامدهای آن است. دکتر آذرنیوند در پاسخ به این پرسش که خشکسالی تا چه اندازه در شکل‌گیری بحران منابع آب کشور نقش دارد، گفت: ایران سرزمینی خشک و نیمه‌خشک است و خشکسالی پدیده‌ای جدید در تاریخ این کشور نیست بلکه مسأله اساسی این است که باید متناسب با شرایط اقلیمی برنامه‌ریزی کنیم.

وی خاطرنشان کرد: ایرانیان در گذشته با استفاده از روش‌هایی مانند قنات خود را با محدودیت منابع آب سازگار کرده بودند اما در دهه‌های اخیر گسترش برداشت از آب‌های زیرزمینی و مصرف بیش از ظرفیت منابع، مشکلات جدی ایجاد کرده است.

ساده و گرم، بسترساز تقویت ارتباطات عاطفی، همبستگی‌های خویشاوندی و سنت حسنه صله‌رحم در جغرافیای ایران شد.

یکی از وجوه متمایز این دوره از ایران جان، پرهیز از تمرکز صرف بر مرزهای جغرافیایی استان مرکزی و اتصال دادن تاریخ آن به پهنه تمدنی ایران بوده است. این ایده چگونه شکل گرفت و چه مصادیقی برای آن پیدا شد؟

رویداد ایران جان بیش از آن‌که تجلیل از یک نقطه مجزا باشد، بستری کم‌نظیر برای کشف و توسعه پیوندهای متقابل فرهنگی میان اقوام و استان‌های گوناگون کشور است. در سیاست‌گذاری این دوره تأکید شد که قرار نیست سایر مراکز استانی و شبکه‌های سراسری، صرفاً دریافت‌کننده و پخش‌کننده سیگنال استان میزبان باشند؛ بلکه هر استان باید در پیشینه تاریخی و اجتماعی خود جست‌وجو کند، پیوندها و اشتراکاتش را با استان مرکزی بیابد و بر پایه آنها به تولید محتوا بپردازد. این یعنی بازتولید یک زبان مشترک هویتی در سراسر کشور.

ما در جلسات ستاد تحول استان، پرونده‌های تاریخی دوره‌های گذشته را ورق زدیم. برای مثال، هنگام بررسی ارتباط استان مرکزی با استان قزوین، به این واقعیت تاریخی درخشان رسیدیم که در دوران پیرشکوه صفویه، کانون و ثقل حکومت تشیع از قزوین به این پهنه جغرافیایی و پس از آن به اصفهان منتقل شد؛ یعنی یک زنجیره ناگسستگی تمدنی میان این سه منطقه وجود دارد. در عرصه هنر فاخر خوشنویسی نیز خط اصیل میرعماد حسنی در قزوین با مکتب کتابت استاد ملازین‌العابدین محلاتی در استان مرکزی گره خورده است. حتی در جغرافیای زیستی و اقتصادی، سازه‌های سنتی و دشت‌های حاصلخیز بسته در جنوب قزوین با زیست‌بوم و ظرفیت‌های شهرستان زنبدیه همگونی خیره‌کننده‌ای دارند. همین نگاه را در پیوند با آذربایجان به کار بستیم. تاریخ گواهی می‌دهد که در ۴۰۰ سال اخیر، چهره‌های برجسته، نخبگان نامدار و سیاستمداران کم‌نظیری از منطقه فراوان و آشتیان به تبریز عزیمت کردند و پایه‌گذار تحولات بزرگ ملی شدند؛ شخصیت‌های تکرارنشدنی همچون میرزا بزرگ، میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و شخصیت تاریخ‌ساز میرزا تقی خان امیرکبیر همگی حلقه‌های اتصال استان ما و خطه آذربایجان هستند.

همچنین میرزا یوسف اعتصامی معروف به اعتصام‌الملک، ادیب برجسته و پدر پروین اعتصامی، از آشتیان به تبریز مهاجرت کرد و پیوندی عمیق میان ادبیات این دو دیار به وجود آورد. حتی در حوزه میراث ناملموس و نواهای بومی، بخشی از آیین‌های عاشق خوانی و موسیقی مقامی ترک‌زبانان استان مرکزی و طوایف عشایری غیور این منطقه، اشتراکات شگفت‌انگیزی با سنت‌های عاشیقی در تبریز و اردبیل دارد. با بازخوانی این پیوندها روی آنتن، تهیه‌کنندگان و مجریان سایر استان‌ها نیز به ساخت برنامه‌های مشترک ترغیب می‌شوند؛ چون درمی‌یابند که ما با همه تنوع‌ها، ریشه‌های هویتی واحدی داریم. این جریان از زمان میزبانی نخست در خوزستان آغاز شد، در آذربایجان شرقی اوج گرفت و امروز در استان مرکزی با کیفیت بالاتری تداوم یافته است.

گزارش

قاب شبکه ورزش

برای دیده شدن بانوان افتخارآفرین



تهیه‌کننده برنامه «دختر قهرمان» درباره ایده اولیه تولید این اثر و ماموریت‌های آن عنوان کرد: ایده اولیه از یک پرسش ساده شکل گرفت: ما از قهرمانان ورزشی، مدال‌ها، رکوردها و لحظه‌های پیروزی‌شان را می‌بینیم اما چقدر از زندگی واقعی آنها خبر داریم؟ جذدر می‌دانیم پشت یک مدال، چند سال تلاش، چند بار شکست، چه میزان فداکاری و چه رویاهایی وجود داشته است؟ به‌گزارش روابط عمومی رسانه ملی، حسین پاینده تصریح کرد: ما در استودیو دنبال تولید برنامه‌ای بودیم که قهرمانان زن ایرانی را نه صرفاً به عنوان ورزشکار بلکه به عنوان انسان‌هایی با تجربه‌های واقعی، دغدغه‌ها، ترس‌ها و امیدهای شان معرفی کند. ماموریت اصلی ما این است که فاصله میان مخاطب و قهرمان را کم کنیم. پاینده گفت: می‌خواهیم دختر نوجوانی که در یکی از شهرهای ایران پای تلویزیون نشسته، وقتی قصه یک قهرمان را می‌شنود احساس کند این مسیر برای او هم دست‌یافتنی است. به‌نظرم قهرمان فقط کسی نیست که روی سکوی نخست می‌ایستد. گاهی قهرمانی از همان لحظه‌ای آغاز می‌شود که یک دختر تصمیم می‌گیرد با وجود همه دشواری‌ها از رویایش دست نکشد. این برنامه‌ساز درباره تولید برنامه‌ای با محوریت زنان قهرمان ورزشکار در این مقطع زمانی و تأثیری که بر انگیزه بانوان و نسل نوجوان و جوان کشور خواهد داشت نیز توضیح داد: معتقدم یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری انگیزه در نوجوانان، داشتن الگوهای واقعی و ملموس است. وقتی یک دختر نوجوان می‌بیند دختری از شهر یا با شرایطی شبیه خودش توانسته به موفقیت برسد، رویای قهرمانی برایش از یک تصور دور به یک امکان واقعی تبدیل می‌شود. وی افزود: نکته مهم این است که ما نمی‌خواهیم فقط تصویر موفقیت را نشان دهیم. اتفاقاً شکست‌ها، تردیدها و روزهای سخت زندگی این قهرمانان برای ما اهمیت زیادی دارد چرا که نوجوان باید بداند مسیر موفقیت همیشه هموار نیست. از طرف دیگر، دیده شدن بانوان ورزشکار نوعی قدردانی از تلاش‌های آنهاست. قهرمانی که سال‌ها تمرین کرده و افتخار آفریده، نیاز دارد بداند تلاشش دیده می‌شود و قه‌مش‌اش برای جامعه اهمیت دارد. به گفته پاینده، اگر برنامه دختر قهرمان بتواند حتی در یک دختر نوجوان انگیزه شروع فعالیت ورزشی یا ادامه دادن مسیری دشوار را ایجاد کند، بخش مهمی از ماموریت خود را انجام داده است.

جام جم

رسانه

MEDIA

چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۵ شماره ۲۴۴۸

یادداشت

حجت الاسلام دکتر حسین متفکر انویسنده و پژوهشگر

نبرد در برابر قدرت رسانه‌ای استکبار

۴۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و در تمام این سال‌ها، جمهوری اسلامی ایران در معرض شدیدترین تهاجم رسانه‌ای تاریخ معاصر بوده است. از همان روزهای نخست، رسانه‌های وابسته به قدرت‌های بزرگ، با ابزارهای مختلف -از رادیوهای فارسی‌زبان تا شبکه‌های ماهواره‌ای و از مطبوعات زنجیره‌ای تا شبکه‌های اجتماعی- تلاش کرده‌اند تا تصویری مخدوش از ایران ارائه دهند، مشروعیت نظام را خدشه‌دار کرده و افکار عمومی جهانی را علیه ملت ایران بسیج کنند. امام خمینی(قدس سره) در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود، این واقعیت تلخ را با صراحت تمام بیان کرده‌اند:

«ما اکنون... مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرت‌های بزرگ هستیم. چه دروغ‌ها و تهمت‌ها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرت‌ها به این جمهوری اسلامی نوپا زده و نمی‌زنند.»

این تهاجم، امروز در قالب «جنگ شناختی» و «جنگ ترکیبی» ادامه یافته و ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفته است. رهبر شهید (رضوان‌الله تعالی علیه) با درک عمیق این تحول، فرموده‌اند:

«امروز بیشترین تحرک دشمنان ما علیه ما پیش از تحرکات امنیتی و اقتصادی، تحرکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است؛ برای این‌که بر افکار عمومی مردم مسلط بشوند مبالغ هنگفت هزینه می‌کنند.»

و در جای دیگر: «امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی... در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم؛ با چه کسی؟ با یک جبهه وسیع. در چنین شرایطی، بسنده کردن به دفاع منفعلانه، شکست را تضمین می‌کند. تجربه ۶۰ سال مقاومت نشان داده که پاسخ دفاعی-هرچقدر هم هوشمندانه - نمی‌تواند تهاجم رسانه‌ای دشمن را متوقف کند. آنچه مورد نیاز است، ایجاد یک نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای است؛ حرکتی که از یک سو، مبانی نظری و اعتقادی انقلاب اسلامی را در قالب «جنگ روایت‌ها» بازتعریف کند و از سوی دیگر با استفاده از همه ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی، جبهه‌ای متحد در برابر قدرت رسانه‌های استکباری غرب تشکیل دهد.

این یادداشت راهبردی، با تکیه بر رهنمودهای امام خمینی(قدس سره) و رهبر شهید (رضوان‌الله تعالی علیه)، به تبیین مبانی، راهبردها و اقدامات عملیاتی این نهضت جهانی می‌پردازد. استدلال اصلی این است که نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی است؛ ضرورتی که ریشه در ماهیت تهاجم دشمن، ماهیت رسانه در عصر حاضر و ماهیت رسالت انقلاب اسلامی دارد.

■ اول: مبانی نظری و اعتقادی نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای

۱-۱. از «نهضت مستضعفین» تا «نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای» امام خمینی(قدس سره) انقلاب اسلامی را نه یک رخداد ملی محدود به مرزهای ایران، بلکه آغازگر نهضت جهانی مستضعفین می‌دانستند. ایشان در سخنرانی معروف خود در ۱۳۵۸ در جمع مسلمانان پاکستان و هند، این دیدگاه را با صراحت بیان کردند:

«باید این نهضت - نهضت مستضعف در مقابل مستکبر- در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف [باشد].»

این جمله، کلید فهم نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای است. امام، نهضت مستضعفین را یک حرکت فراگیر، جهانی و همه‌جانبه می‌دانستند. اما سؤال اساسی این است: چگونه این نهضت در عصر اطلاعات و در شرایطی که رسانه‌های استکباری بر فضای جهانی سلطه دارند، می‌تواند گسترش یابد؟

پاسخ در یک نکته راهبردی نهفته است: امروز، میدان اصلی نبرد مستضعفین در برابر مستکبرین، میدان رسانه و روایت است. اگر در قرن بیستم، مبارزه با استکبار عمدتاً در میدان‌های سیاسی و نظامی جریان داشت، در قرن بیست و یکم، این مبارزه در میدان روایت‌ها و گفتمان‌ها جریان دارد. رسانه‌های استکباری، ابزار اصلی سلطه و استثمار جهانی هستند و بنابراین نهضت جهانی مستضعفین در عصر حاضر، ناگزیر باید نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای باشد. امام خمینی(قدس سره) با درکی عمیق از این تحول، در وصیت‌نامه خود فرمودند:

«(امروز جنگ، جنگ قلم است.)»

و از نخبگان و نویسندگان خواستند:

«این قلم‌ها را یک مقدار متوقف کنند برای اسلام، برای خدا، برای کشور اسلام، برای ملت اسلامی.»

این رهنمود، دقیقاً همان منطقی است که نهضت جهانی نبرد رسانه‌ای را ضروری می‌سازد: اگر جنگ، جنگ قلم است، پس جبهه‌بندی جهانی نیز باید بر محور قلم شکل گیرد.



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید